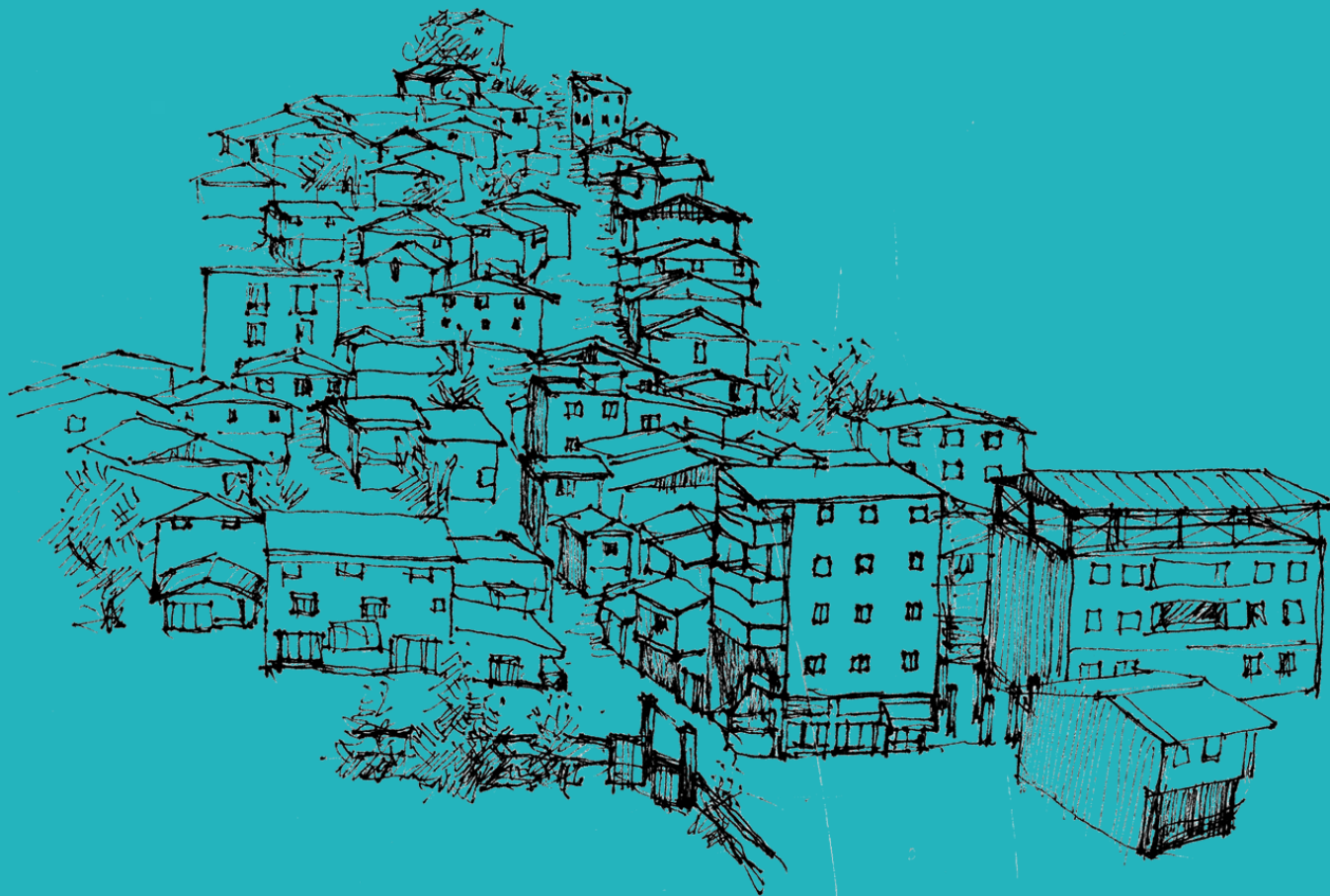


دانشگاه فنی و حرفه ای زینب کبری همدان



آشنایی با مرمت ابنیه

مدرس: بیتا باقری

.....
مقدمه ای بر مباحث باززنده سازی
معماری

الحمد لله رب العالمين

دو حد دو بینش متضاد و دو راه که برخوردی با یکدیگر ندارند و دو هدف به ظاهر برابر را دنبال می کنند در پیش هستند:

جوابگویی به نیازهای کالبدی-اجتماعی یک بنای فرسوده می تواند با یا بدون مسولیت فرهنگی صورت گیرد.

- یک بنای تاریخی قبل از آنکه معرف صورت مساله فنی ساختمانی باشد در بر گیرنده یک سلسله از روشهای تفکر و کردار است که راه و رسم زندگی مردمان عصر خود را بازگو می کند. - صرف نظر از این که ما امروزه آن راه و رسم ها و آن تفکرها را نسبت به معانی و مفاهیم و فضاها معماری را با سلیقه های فردی خویش منطبق بباییم اگر قبول کنیم که باید به هر صورت به حفظ آنچه از گذشته برای ما بازمانده بکوشیم فقط به مساله نزدیک شده ایم. - چه معماری کلاسیک چه آن دسته از بناهایی که معرف تفکری خاص هستند و چه معماری بومی شهرها و روستاهای پراکنده در لحظه بوجود آمدن و شکل کالبدی گرفتن نماینده تفکری خاص هستند که فرهنگ و تحرک فرهنگ زمانی را متبلور می کنند برگردانی هستند از عقاید و نظرها ، شیوه های کاربرد و ابداعات فنی زمان با همه تاثیر پذیریهایی که می توانند از زمان دور یا نزدیک داشته باشند .

- نزد بعضی اقوام شیوه ساختن بنایی قدیمی به خاطر این که **شدیدترین تعلقات را به زمان احداث خود دارا بوده** به صورت مداوم حفاظت می شود و احترام گذاردن به آن در درجه نخست از راه **نگهداری و باز پس دادن شکل اصیل بنا دقیقاً به صورت اولیه آن** عملی می شود.

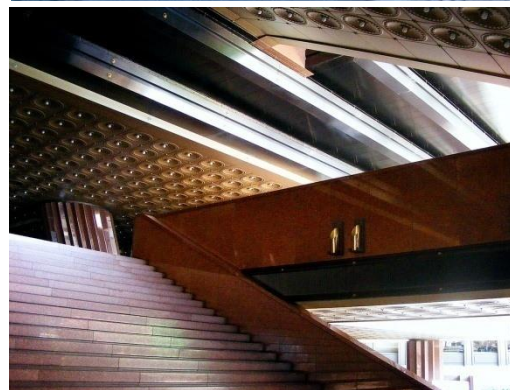
- این روش از طرز اندیشه و مداخله در بناها با ثابت نگهداشتن شکل بنا و اصل تغییر ناپذیری مشخصات بنا در طول زمان حضور مداوم فرهنگهای گذشته را برای همه نسل هایی که با بنا تماس خواهند داشت تضمین می کنند. (تصویر شماره ۱)

تغییر شکل این دسته از بناها از **تکرار بنایی مترادف ولی متفاوت** در زمان های بعدی میسر می گردد به عبارت دیگر متبلور کردن فرهنگی تازه تر از راه تلفیق یا تداخل آن با بازمانده های فرهنگ گذشته صورت نمی گیرد: بنای یک معبد نو برای سکنه ای که بر شهر قدیمی افزوده شده اند و نه تغییر شکل معبدی کهن برای جوابگویی به نیازهای جدید راهی است که برگزیده می شود. (تصویر شماره ۲)

KINKAUJI/Tokyo تصویر شماره یک-معبد کین کائوجی
Rebuilt 1955



تصویر شماره دو-معبد ری کوکایی REIKUKAI



چرا مرمت می کنیم؟

-تعریف واژه مرمت (Restoration) در آکسفورد چنین می باشد : اعاده، برگرداندن و جبران هر آنچه که پیش از این برداشته شده یا از دست رفته است. مرمت به طور کلی به معنی مداخله است که امکان بازیافت عملکرد محصولات فعالیت انسانی را فراهم آورد. این مفهوم عام از مرمت به خودی خود حاوی مفهوم عمل بر روی محصولات مورد نظر است(ایجاد تغییر در آثار تاریخی)

-مرمت شامل بستر بزرگی از مترادف ها میشود. می توان مرمت رو تعمیر دانست یا بازسازی معنا کرد.یا دوباره سازی و یا تقویت کردن قسمتهای آسیب دیده.کلا همیشه عمل ترمیم و مرمت مثل دارو و درمان عمل می کند. یعنی درحقیقت کسی که در حال مرمت کردن است به نوعی مشغول به درمان آن و تجویز دارو و جراحی است .

-نوسازی و مرمت به حفظ تاریخ، هویت و فرهنگ ساختمان ها و اماکن شهری بسیار زیبا و مقاوم که ساخت مجدد آن ها امکان پذیر نیست کمک می کند. این بناها نوسازی می شوند تا مفیدتر، زیباتر و قابل تحمل تر شوند و رفاه و آسایش را برای بخشی از جامعه که به آن ها علاقمند هستند فراهم نمایند. مرمت و نوسازی روشی مناسب برای حفظ خاطرات، تاریخ و هویت دست نخورده یک بناست.

- اگر که بنا رو به یک انسان تشبیه کنیم. وقتی اندامی دچار آسیب می شود و احتیاج به ترمیم پیدا میکند. روشهای مختلفی برای درمان ممکن است پیشنهاد گردد. اما در عمل باید دید همه شرایط بیمار چگونه است و ارتباطات عضو آسیب دیده به چه صورت است و با توجه به همه این موارد بهترین راه درمانی به مرحله اجرا برسد.
- نکته مهم در هر کار درمانی، کارایی دوباره عضو آسیب دیده و بطور کلی جسم و روح بیمار است. برای مثال اگر یکی از اعضای بدن مثل دست دچار شکستگی بشود. هدف درمان فقط درمان شکستگی نیست. هدف والاتری مورد نظر است، یعنی انتظار داریم بعد از رفع شکستگی، این دست ترمیم شده، حداقل تا ۹۰ درصد کارایی سابق را داشته باشد و به مرور بتواند دوباره همه کارهای سابق را انجام دهد. این موضوع همان مفهوم احیاست. یعنی نمی توان بگوییم اگر استخوانی شکست فقط در مرحله درمان دوباره قسمتهای شکسته استخوان بهم جوش بگیرد و بس. در یک درمان درست، چطور جوش گرفتن و کارایی دوباره عضو بسیار مهم است. به نحوی که بتواند دوباره کارهای قبل را تکرار نماید و بتواند کارهای پیش روی رو به مرحله اجرا برساند.
- حال با توجه به آنچه در مثال بالا گفته شد. می توان گفت در هر کار **مرمت بنا، هدف درمان بنا و حفظ آن به بهترین روش ممکن** است. را رسیدن به بهترین روش، مطالعه و شناخت مناسب از تمام شرایط و ارتباطات قسمتهای مختلف بنا است. و در انتها احیای بناست. یعنی همان کارایی درست اثر آسیب دیده بعد از درمان آن می باشد.

مرمت بناهای تاریخی چیست؟

مرمت معماری، شاخه‌ای از هنر معماری است که بر پایه شناخت و مطالعه بناها و بافت‌های تاریخی و آثار باستانی، به احیا کردن فضاهای تاریخی به لحاظ کالبدی، ساختاری و عملکردی می‌انجامد. این هنر که شاخه‌ای آمیخته از دانش، تکنولوژی، مهندسی و هنر معماری می‌باشد شامل شکل‌ها و سطوح گوناگونی از پژوهش و تحقیق در باب هنر و معماری تاریخی است و در مقیاس‌های گوناگونی می‌توان آن را تعریف و معنا کرد.

بافت‌های تاریخی یکی از ارکان ارزشمند و هویت بخش در شهرها می‌باشند. عناصر، بناها و نحوه شکل‌گیری و شبکه‌های عبور و مرور در هر بافت تاریخی نشان از نحوه زندگی اجتماعی ساکنین آن شهر دارد

عدم توجه به یک بافت تاریخی با توجه به گذر زمان و عمر زیاد ابنیه ارزشمند آن می‌تواند به نابودی فرهنگ و هویت یک جامعه منجر شود. با توجه به گسترش روز افزون صنعت گردشگری در جهان و اقتصاد مبتنی بر توریسم به احیاء و زنده سازی بافتهای تاریخی در کشورهای اروپایی اهمیت شایانی داده شد. بهسازی و باز زنده سازی این گونه **بافت ها در پویایی و ماندگاری آنها و همچنین در آمدزایی از طریق جذب توریست تاثیر به سزایی دارد.**

در مرمت بناهای تاریخی واژه‌هایی برای تعریف دقیق‌تر مداخله فنی و عملی وجود دارد که شامل بهسازی، بازسازی و نوسازی است.

بهسازی شامل مجموعه اقداماتی است که در کوتاه مدت انجام می‌گیرد و در واقع به توان بخشی یک بنای تاریخی می‌پردازد و شامل تعمیرات، حفاظت، حمایت و استحکام بخشی است.

نوسازی در واقع سلسله اقداماتی است که در جهت اضافه کردن یک بخش نو به بنا یا ایجاد یک چهره نو برای بنا، انجام می‌شود.

بازسازی هم به ساخت دوباره یک بنای تخریب شده گفته می‌شود که در آن فکر و طرح اولیه بنا در نظر گرفته نمی‌شود و یک بنای جدید با طرح و فکری جدید ساخته می‌شود.

پیدایش مرمت بنای تاریخی:

مراقب از میراث فرهنگی سابقه دور و درازی دارد که هدف آغازین آن صرفاً در تفریح و لذت خلاصه می‌شد. تا اینکه در اوایل قرن بیستم هنرمندان تعمیر و بازسازی آثار هنری را امری مهم و لازم دانستند. با این وجود در قرن نوزدهم بود که دانشمندان برجسته‌ای همچون میشل فارادی در مورد اثرات مخرب محیط‌زیست بر آثار و بناهای تاریخی به مطالعه پرداختند.

با این وجود اولین اقدام رسمی و جالب توجه به منظور تلاشی برای اجرای همه این چارچوب‌های نظری در جهت حفظ میراث فرهنگی با افتتاح جامعه حفاظت از بناهای تاریخی در سال ۱۸۷۷ مصادف بود. اقداماتی مشابهی هم در این سال‌ها توسط دولت فرانسه به بار نشست. در همین سال‌ها بود که نگهداری و محافظت از بناهای تاریخی به عنوان رشته تحصیلی مستقل بناگذاری شد و در سال ۱۸۸۸ فردریک راتگن اولین شیمی‌دانی بود که به استخدام یک موزه در می‌آمد. با این اقدام در سال‌های بعد شیمی‌دان‌های بیشتری وارد عرضه حفظ و نگهداری از آثار و بناهای تاریخی در ابعاد مختلف شدند.

روش‌های مرمت بناهای تاریخی کدام‌اند؟

مرمت آرتیستیک

بناهای مربوط به دوران گوتیک و رنسانس را معمولاً به روش هنری مرمت می‌کنند. در این روش مرمت کار می‌تواند **بخش‌هایی از بنا که وجود نداشته‌اند را با طرح و فکر خود به آن اضافه کند** و یک کاربری جدید به بنای تاریخی بدهد.

مرمت آناستیلوسیس

این نوع مرمت معمولاً در باستان‌شناسی رواج زیادی دارد. مرمت آناستیلوسیس در واقع به **ترمیم** بناهای تاریخی که **قسمت زیادی از آن‌ها از بین رفته** است می‌پردازد تا بتواند روحی از شکل تاریخی بنا را زنده کند. این نوع مرمت برای ترمیم بناهایی که خیلی قدیم و متعلق به زمان‌های دور هستند، مناسب است.

پاک‌سازی سبکی

این روش مرمت معمولاً پس از یک مرمت دیگر اجرا می‌شود. **گاهی مرمت بناهای تاریخی با اضافه کاری** و ایجاد **فضاهایی که تعلقی به آن زمان و سبک معماری خاص ندارد** روبرو می‌شود که در ادامه با بررسی کارشناسان مرمت پاک‌سازی سبکی به کار برده می‌شود که فضاها و مرمت‌های اضافی و بی‌ارتباط برداشته می‌شود.

مرمت تاریخی یا زنده سازی

این نوع مرمت در واقع مخلوطی از مرمت پاکسازی سبکی و آناستیلوسیس است. در مرمت تاریخی کارشناس **به بازسازی فضا، کاربری اصلی و روح بنا اقدام می کند و سازه های غیر اصیل و اضافی را حذف می کند و** بخشی از هویت اصلی بنا را با توجه به بازمانده های آن ترمیم می کند.

مرمت استحکامی

این نوع مرمت همان طور که از نامش پیداست، تنها به ایجاد استحکام بنای تاریخی می پردازد و **در معماری و سبک آن دخالت ندارد.** در مرمت استحکامی سبک بنا و فضاها دست نخورده باقی می مانند.

مرمت حفاظتی

مرمت حفاظتی بیشتر جنبه قانونی دارد. در این نوع مرمت تنها اقداماتی انجام می شود که بنا به شکل فعلی حفظ و نگهداری شود و **حریم آن هم حفظ می شود تا اقدامات بعدی برای مرمت بنا انجام شود.**

مرمت تکمیلی

این نوع مرمت در صورتی انجام می شود که **بخش هایی از بنایی تاریخی از دست رفته** باشد و برای بازسازی آن اقدام می شود تا به **موجودیت بنا لطمه ای وارد نشود** تا در ادامه با توجه به بودجه و نظر کارشناسان مرمت بناهای تاریخی اقدامات بعدی صورت گیرد.

مرمت جامع

این نوع مرمت در بر دارنده تمام انواع مرمت می شود. این نوع مرمت در کاروانسرای سرای **سعدالسلطنه در قزوین** دیده می شود.

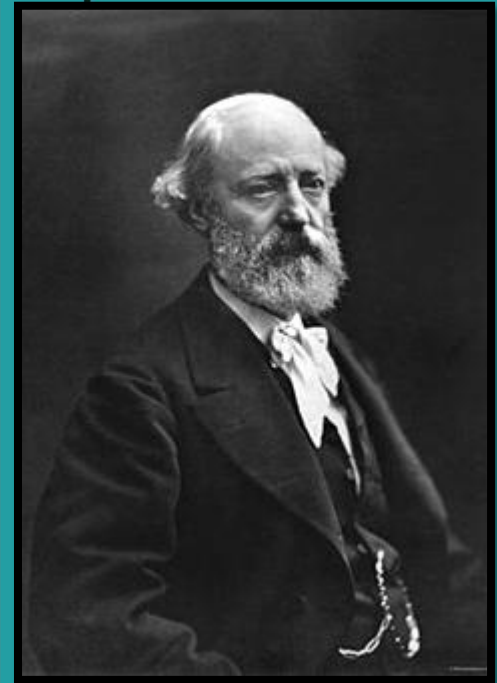
نظریه پردازان مرمت

ریشه تئوریها و نظریه های مرمت معماری را باید در نیمه دوم قرن هجدهم جستجو کرد زمانی که اولین سنگ بنای دانش و نقد معماری تواما کار گذاشته می شد.

اوژن ویوله لودو (۱۸۷۹-۱۸۱۴)

لودو معمار فرانسوی است که به عنوان یکی از فعالترین مرمت کنندگان آثار تاریخی در جهان شناخته شده است. وی به مسائل معماری تسلط کامل داشت و با اینکه در آن زمان این مبحث کاملاً به خوبی شناخته نشده بود در مورد سبک ها می گوید: "سبک ساختمان های گوتیک و بناهای قرون وسطی تابع قواعد منطقی و قابل برداشت است و در تمامی آثار که بخاطر نیازی معین (نیاز شالوده ای- ساختمانی) زاده می شوند این قواعد مشترکاً به چشم می خورد. مجموعه چنین قواعد و روالهایی سبک را به وجود می آورند."

وی بیشتر منتقد است تا معمار و با اظهار عدم اعتقاد به آکادمی هایی که به تدریس هنر کلاسیک اختصاص داشتند می گفت: "**با شناخت هنرهای قدیمی باید دوره خویش را در هنر خویش اجرا و ظاهر کنیم.**" وی برای همه دوره های مختلف هنر احترام قائل است و می گوید: "تنها هنر روم قدیم داری ارزش نیست بلکه همه دوره ها ارزشمند و قابل احترامند." او معتقد است که **هنر و فرم آن حاصل یک تفکر می باشد.**



لدو در مرمت به «سبک شناسی» یعنی یافتن روح و خصوصیات اثر هنری معتقد است و با تلفیق این شناخت و فن کاربرد مواد و فرم در دوره خاص اثر، با تجربیات شخصی دست به مرمت می‌زند. وی به سه اصل

۱- برداشتن بخشهای الحاقی (حذف سبکی)

۲- تکمیل بنا بصورت آنچه که می‌باید باشد (بازسازی سبکی)

۳- ساخت با سبک و امکانات فنی دوره اثر (بازسازی سبکی). وی رعایت «وحدت سبک» در ساختمان را برای ایجاد روح در آثار هنری لازم می‌داند. او هنر را مخصوص فرانسه می‌داند و سهم همده را به هنر گوتیک اختصاص می‌دهد.

به نظر او هنر رومی در درجه دو و هنر یونانی درجه اول می‌باشد. وی در مورد ساختمانهای دوره گوتیک می‌گوید: سازه‌ای است زنده، متشکل از نیروهای داخلی **جمع و پخش** شوند که متعادل می‌شوند.

لدو خیلی از آثار دوره گوتیک را نجات داد. بناها و آثار مرمت شده توسط لدو: نتردام پاریس (تعدادی از مجسمه‌های نمای نتردام) - نمای کلیسای کلرمون فران - قصرهای کارکاسون و پیرافون.

* بناهای مرمت شده ایتالیا:

۱- دومای سانت کروچه (فلورانس) ۲- کاستلوا سفور تیسکو (میلان) ۳- دومای ناپل.

بنا به عقیده وی ، بنا های تاریخی باید از بناهای اطراف پاک رها شوند تا بتوان به اهمیت آنها بیشتر پی برد . او دو نظریه عمده را مطرح کرد :

الف : **نظریه پویایی ماده در ساختمان (دینامیسم)** : به معنای متغیر بودن شرایط کار مواد ساختمانی پس از جایگزینی آنها در بنا

ب: **نظریه سبک و زمان** : او سبک را مجموعه از قوانین و مقرراتی می داند که با توجه به تکنولوژی زمان و در زمان تعریف می شود . اصولی را که در این رابطه بیان می کند شامل موارد زیر است .

یکم : حذف بخش های اضافه شده به بنا پس از تاریخ اصلی آن

دوم : تکمیل یا احداث بنای فرسوده یا نا تمام بر پایه سبک گذشته بنا به صورت اولیه

سوم : شباهت و درک اثر .

چهارم : حفظ بنای کاملاً فرسوده و تخریبی .

جان راسکین (۱۸۱۸-۱۹۰۰)

حقوقدان انگلیسی که با روی آوردن به هنر ابتدا به نقد فلسفه هنر پرداخت و سپس روی به فلسفه اجتماعی آورده راسکین با دیدی کاملاً هجران زده به گذشته و با الهام از گذشته سعی بر آن داشت تا تحولی اساسی در اندیشه فرهنگی مردم ایجاد کند. معروف ترین اثرش «**هفت مشعل معماری**» است که در سال ۱۸۴۸ انتشار یافت هفت مشعل وی عبارت اند از:

حقیقت، ایثار، قدرت، زیبایی، زندگی، خاطره و اطاعت

-این نظریه راسکین می تواند به عنوان نظریه مهمی مورد توجه قرار گیرد: شناخت یک بنای باستانی به منزله یک سند تاریخی است و تا حد امکان جلوگیری از هر گونه دخالت در وضع آن را باید مد نظر قرار داد و به منظور حذف بخشهای ناهماهنگ و یا اضافه کردن بخشهای تازه و استحکام بخشیدن به قسمتهای ناپایدار و خطرناک نباید اقدامی صورت گیرد.

راسکین با اقدامات خود پایه گذار دو نظریه عمده در امر مرمت شد. این دو نظریه شامل نظریه:

الف: **منظم سازی**

ب: **نظم اندام وار است.**

راسکین بر مبنای نظریات فوق اصولی را مطرح ساخت که در مرمت موثر واقع شد که عبارتند از:

یکم: اصل فنا پذیری

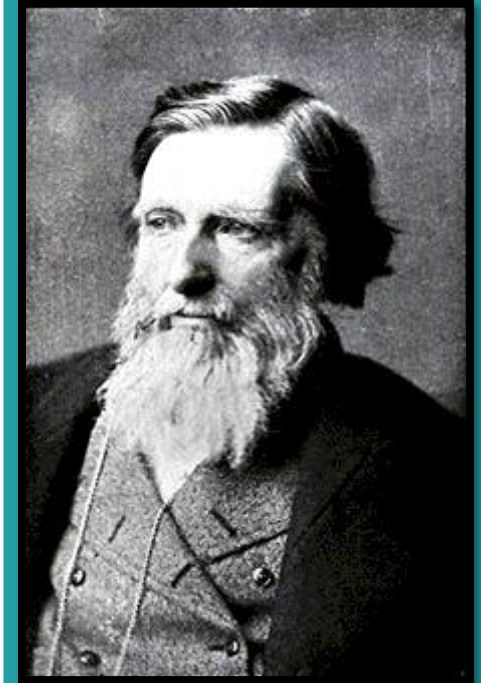
دوم: اصل عدم تکرار

سوم: اصل عمر و اعتبار

چهارم: اصل عدم دخالت

پنجم: اصل مرمت آئینی

به طور خلاصه در تفکر راسکین توجه به سندیت بنا و سرنوشت آن و در عین حال تسلیم و سرسپردگی به طبیعت و پدیده های فرساینده اش هسته اصلی به شمار می آید.



لوکا بلترامی (۱۸۵۴-۱۹۳۳)

معمار و نقاش ایتالیایی که به مرمت ابنیه بر اساس نقشه ها و مدارک و شواهد تاریخی می اندیشید . وی معتقد است به « بازسازی اصیل بنا به شکل اولیه اش » . نظریات او تلفیقی از نظریه های ویوله لودوک و جان راسکین بوده است و شامل دو نظریه عمده است .

الف : تعلق بنا به محیط شهری

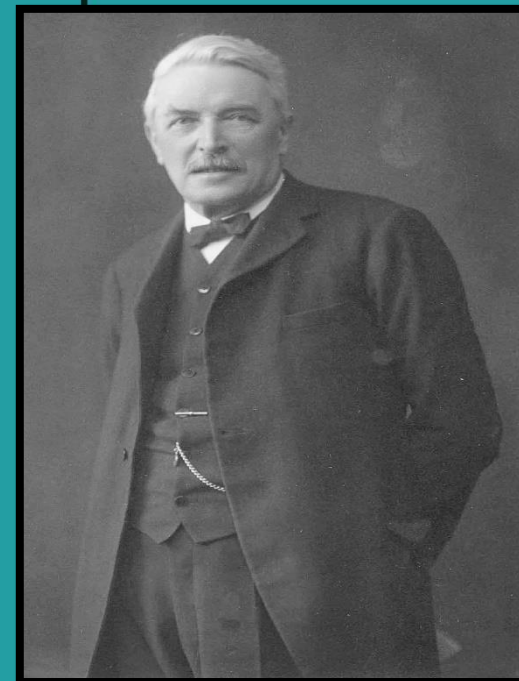
ب: روش مرمت تاریخی

اصول مرمتی بلترامی:

یکم - بازسازی مو به مو

دوم - حق مداخله در بنا ، مجموعه یا بافت شهری مشروط بر وجود مدارک لازم در مورد موجودیت اولیه آن و شکل گیری مجدد بنا نیز دقیقا برابر با شکل و ترکیب اولیه بنا خواهد بود.

از نمونه اقدامات مرمتی بلترامی که خود شاگرد بویی تو است می توان به مداخله تخریبی کلیسای سن جووانی و تخریب خانه ها برای احداث میدان اسکالا در میلان و همچنین تخریب بعضی از ابنیه قدیمی اشاره نمود. بازسازی برج بزرگ ناقوس کلیسای سن مارک و نیز به علت تفاوت شکل و تغییر محل بنای آن نسبت به موضع اصلی بحثهای حادی برانگیخت و موجب دوری وی از شهر میلان شد.



کامیلو سیت (زیتِه) (۱۸۴۳-۱۹۰۳)

افکار کامیلو سیت به دلیل توجه و علاقه خاص به مجموعه های معماری متعلق به زمان های گذشته دارای انعکاس و تداوم محسوسی در فرهنگ و مرمت معماری - شهری است. دوره فعالتر زندگی حرفه ای کامیلو سیت با سالهای تخریب سیستماتیک محلات قدیم پاریس به دست بارون هوسمن همزمان بود.

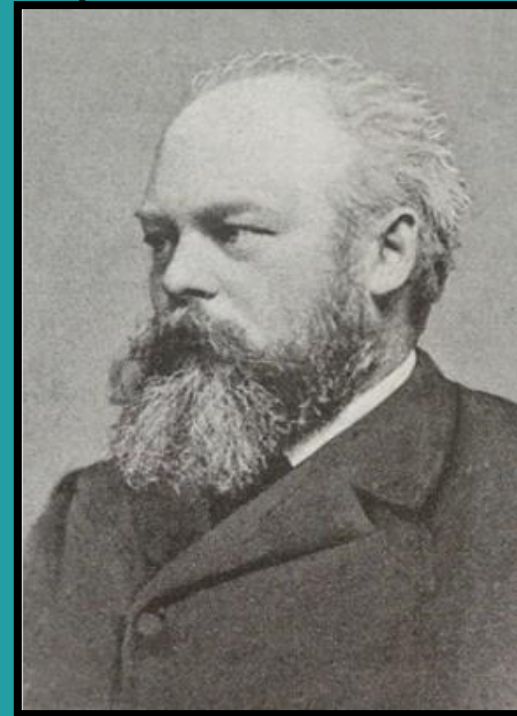
نکات زیر چکیده ای از افکار وی را بدست می دهد:

- ارزش هر بنا به محیط اطراف آن بستگی دارد موضوع اصلی در این نظریه روابط فضایی موجود بین بنا و محیط آن می باشد نه روابط کاربردی بنا ها و فضاهای تهی مجاورشان

- جدا کردن بناهای مهم تاریخی از بناهای اطراف (اعم از بناهایی که همزمان با بنای مهمتر یا بعد از آن یا در زمان بسیار نزدیک به ما ساخته شده است) بجای کمک به معرفی بنا از انعکاس هویت آن خواهد کاست.

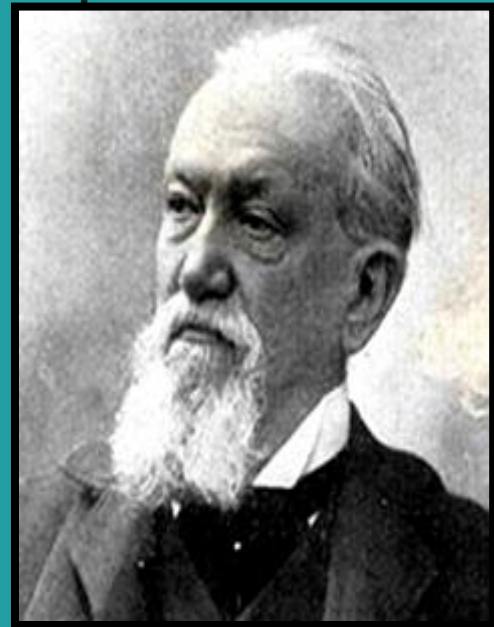
- میدان ها و فضاهای باز عمومی شهر های قدیمی پس از آنکه به صورت لازم مورد مطالعه قرار گرفتند میتوانند ویژگی هایی را عرضه کنند که رهنمون طراحان معماری شهر های تازه باشد.

بزرگترین اثر وی کتاب **هنر بنای شهر** می باشد.



به عنوان شخصیتی فرهنگی و اجتماعی در نوشته‌هایش علاقه فراوانی به بناهای کهن به منزله یک سند تاریخی دیده می‌شود و حیات بخشیدن روح دوباره دادن و باز گرداندن فعالیت به بنای تاریخی هسته اصلی سخن اوست. بنای تاریخی باید مرزهای زمان را پشت سر بگذارد و همیشه نقش فعالی در زندگی مردم به عهده بگیرد. گنگره ۱۹۳۱ آتن درباره مرمت منعکس کننده بسیاری از افکار بویی تو است. افکار وی:

- ۱- فرق گذاشتن بین سبک قدیم و (موجود و بکار رفته در بنا) و سبک تازه‌ای که در لحظه باززنده‌سازی یک بنا بکار می‌رود
- ۲- فرق گذاشتن بین مصالح ساختمانی جدید و مصالح ساختمانی که در گذشته بکار می‌رود.
- ۳- بکار نبردن کنج‌ها زاویه‌ها و سطوح تزئینی - در بخش‌های تازه ساز - بناهای موضوع مرمت
- ۴- ایجاد نمایشگاه یا موزه‌ای از عناصر یا تکه‌های بنای قدیمی که حین بازسازی‌های یک بخش دوباره بکار گرفته نشده‌اند در داخل یا نزدیک بنای مرمت شده.
- ۵- حک تاریخ کار مرمتی در نقطه‌ای از بنا با بکار بردن علامتی قرار دادی روی بخش‌ها و عناصر بازسازی شده
- ۶- نصب کتیبه روی بنای مرمت شده
- ۷- توصیف و توجیه مراحل مختلف کار مرمتی همراه با عکس و نقشه و قرار دادن آن در بنا یا در نزدیکی آن و اقدام به شناساندن کارها توسط وسایل ارتباط جمعی.
- ۸- تلاش در شناساندن بنا



گوستاو جوانونی (۱۸۷۳-۱۹۴۷)

در سال ۱۹۲۰ ریاست کمیته حفظ آثار هنری و باستانی ایتالیا را به عهده داشت .
مجموعه دستورات او در زمینه بافت شهری مجاور مونومان ها بعدها در کنفرانس آتن ۱۹۳۱
تصویر و منتشر شد . او به معماری مدرن اعتقاد نداشت و آنرا بدون استیل میدانست و معتقد بود
که نباید در کنار یک بنای تاریخی و باستانی بنایی امروزی بسازیم چرا که آنرا خیانت به سبک
باستان می دانست .

او معتقد بود که می توانیم در کنار معماری باستانی ، ساختمانی بسازیم و یا
قسمتی از یک ساختمان که ویران و نابود شده است ، تکمیل کنیم ، منتهی باید
سبک و استیل آن بنای باستانی را اخذ کرده و بعد آن را به صورت هر چه ساده
تر ، خلاصه کنیم . بنا باید از تزئینات عادی باشد و تمام اجزا آن به نحو شماتیک
و خلاصه باشد . ما باید یک بنای نوتر (NEUTRE) یعنی خنثی و بی تفاوت
بسازیم .

وی مروج اندیشه اصل تعلق بنا به محیط شهری است.

۱- محکم کاری

۲- دوباره چینی (آناستیلوز)

۳- آزاد سازی

۴- تکمیل کردن

۵- نوآوری

